

روزنه

خاطرات آن روزها

● از مهرماه سال ۱۳۶۲ با حکم امام خمینی(ره) به عنوان نماینده ایشان در شورای عالی دفاع منصوب شده بود و دیگر به نوعی فرمانده جنگ محسوب می شد؛ «اکبر هاشمی‌رفسنجانی». او اواخر تیرماه ۱۳۶۳ سفری به جبهه‌ها داشت و در جمع فرماندهان و مسئولان قرارگاه‌های خاتم‌الانبیا، ظفر، نجف، کربلا و قدر حضور یافت. ۲۹ تیر به جنوب رفته بود و ۳۰ تیر جلسه را برگزار کردند.

متن پیاده‌شده نوار سخنان هاشمی‌رفسنجانی در جلسه را «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس» منتشر کرده است.

طبق متن منتشرشده، یکی از تصمیم‌های جلسه انجام‌دادن عملیات در محور پاسگاه زید بوده که در نهایت هاشمی ۱۱ شهریور همان سال متغنی‌شدن عملیات مد نظر شهید صیاد شیرازی را رسماً اعلام می‌کند. متن پیش‌رو بخش‌هایی از خاطرات مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سه روز ۲۹ و ۳۰ تیرماه و همچنین ۱۱ شهریور ۱۳۶۳ است که در ادامه می‌آید.

جمعه ۲۹ تیر ۱۳۶۳

خاطرات دیروز را نوشتم. نماز جمعه را آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند. ظهر، همشیره صدیقه و بچه‌هایش و آتش محمد بی‌خبر از قبل آمدند؛ غذا را از بیرون گرفتیم.

ساعت سه بعدازظهر به فرودگاه رفتم و بلافاصله به خوزستان پرواز کردم. در پایگاه هوائی وحدتی درفول، آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن]رضایی پای هواپیما بودند. با سه هلی‌کوپتر به پشت سد زد، برای دیدن مانور نیروهای ویژه قرارگاه ظفر رفتم. مانور عبور از آب تا تیراندازی تانک و توپ و... انجام شد. دیدنی بود و بی‌اشکال انجام یافت؛ اما مقدار زیادی گلوله مصرف شد؛ لابد لازم است و خود فرماندهان، مخالف اسراف و متدین هستند.

بعد از مانور، برای افراد سخنرانی کردم؛ خیلی با حال و با روحیه‌اند. از میان هزار نفر، ۲۵۰ نفر قبول شده‌اند. از آمادگی آنها برای شهادت، سخت تحت‌تأثیر قرار گرفتم. خلبان‌ها هم بودند. از آنجا به پادگان تیب ۲ لشکر ۹۲ درفول برگشتم و پس از نماز مغرب و عشا تا ساعت ۱۰ مذاکره شد. من خوابیدم و فرماندهان به مذاکره ادامه دادند.

شنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۳

بعد از نماز صبح، جلسه‌ای با فرماندهان و مسئولان چهار قرارگاه داشتیم. هریک جداگانه صحبت کردند و بیشتر آنها به نحوی، با عملیات مخالفت کردند و ادله‌ای اقامه کردند. بعد از آنها، من صحبت کردم و ضمن تشکر از تذکرات آنها، عدم انجام تحصیل همه امکانات مورد نیاز آنها صحبت کردم. سپس برای جلسه‌ای دیگر، به مسجد پادگان رفتم که فرماندهان لشکرها و تیپ‌های ممل‌کننده شرکت داشتند. در این جلسه، کسی صحبت نکرد؛ فقط آقای صیاد [شیرازی] خیرمقدم گفت و من مفصلاً صحبت کردم و بیشتر، توضیح همان مطالب جلسه قبل بود و تشویق در به‌کاربردن همت کامل. دوباره به دفتر فرمانده تیپ آمدم و با مسئولان اصلی قرارگاه‌ها به مذاکره نشستیم. تقریباً تمام حصار اعم از ارتشی و سپاهی، اظهار عدم موافقت کردند. فقط آقای صیاد [شیرازی] موافق بود که دفاع کرد و محسن رضایی هم که ظاهراً موافق بود، ساکت بود.

اینص مقاومت [در انجام عملیات] از طرف ارتشی‌ها، در عملیات خیر هم بود، ولی سپاهی‌ها در این عملیات چنین وضعی پیدا کرده‌اند. ممکن است ریشه عمیقی داشته باشد؛ باید کشف کرد. قرار شد مطالب آنها را در تهران، با آقای خامنه‌ای و امام مطرح کنم و سپس در تهران یا همان‌جا به بحث ادامه دهیم؛ اما دستور داده شد که تلاش برای آمادگی مطابق مأموریت ادامه داشته باشد. ناهار را در هواپیما خوردم و ساعت سه [بعدازظهر] به مجلس [شورای اسلامی] رسیدم. مقداری استراحت کردم و سپس گزارش‌ها را خواندم. ساعت شش بعدازظهر با آقای [هانس دیترش] گنشر وزیر امور خارجه آلمان ملاقات داشتم؛ درباره جنگ، حقوق بشر و روابط اقتصادی صحبت کردم و مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران آلمانی داشتم.

اول شب، رئیس‌جمهور آمدند و وضع جبهه و مذاکرات را با ایشان در میان گذاشتم. قرار شد مطالب را برای تصمیم نهایی با امام در میان بگذاریم و با احمد آقا تلفنی صحبت کردم و برای دوشنبه، وقت گرفتیم. احمد آقا از اینکه رسانه‌های غربی، مسئله حقوق بشر را در مذاکرات وزیر خارجه آلمان [غربی] بزرگ کرده‌اند، ناراحت بود و می‌گفت باید مقابله کرد.

یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۶۳

صبح زود، به دفتر رئیس‌جمهور رفتم و با ایشان راجع به دو طرح آقایان صیاد و محسن رضایی بحث کردم.

طرح آقای رضایی را قبول کردم و [طرح] صیاد غیرعملی تشخیص داده شد. راجع به وزارت دفاع و ستاد مشترک و فرمانده نیروی دریایی و نماینده امام در شورای عالی دفاع هم بحث و تصمیم‌گیری شد. قرار شد با امام هم مطرح کنیم...

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه اول

مخالفان این طرح بیشتر روی مشکل عبور از رودخانه، عدم آشنایی با زمین منطقه عملیات و عدم تمرین جنگ در نخلستان و همچنین عدم رعایت حفاظت اطلاعات تأکید می‌کردند. ادامه این روند سبب شد آقای هاشمی‌رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ برای بررسی ابهامات فراوان فرماندهان نسبت به مانور و روش‌های موردنظر و تصمیم‌گیری در مورد طرح ارتش، در تاریخ ۱۳۶۳/۴/۲۹ به خوزستان سفر نماید. او ابتدا در مانور تمرینی نیروها در سد در بازدید به عمل آورد و فردای آن روز کلیه فرماندهان و مسئولان قرارگاه‌های خاتم‌الانبیا، ظفر، نجف، کربلا و قدر طی جلسه‌ای با آقای هاشمی‌رفسنجانی و آقای حسن روحانی آخرین گزارش اقدامات و مشکلات قرارگاه‌های عملیاتی را در پادگان تیب ۲ لشکر ۹۲ درفول ارائه کردند تا در مورد سرنوشت عملیات در جنوب جزیره مینو تصمیم‌گیری شود. در این جلسه آقای هاشمی‌رفسنجانی ضمن تبیین حساسیت شرایط کنونی جنگ به عزم جهانی برای جلوگیری از پیروزی نظامی جمهوری اسلامی اشاره کرد و با اشاره به تأکید بر لزوم انجام عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز گفت «چنانچه گلوله‌ا ارتباطی عراق با خلیج فارس در جنوب بصره توسط جمهوری اسلامی تصرف شود می‌توان حداقل به پنجاه درصد خواسته‌های جمهوری اسلامی رسید و صلح برقرار کرد». وی سپس با اشاره به نظرات منفی فرماندهان درخصوص عملیات گفت «ما باید در اینجا عملیات با تضمین موفقیت انجام دهیم با فرماندهان جای دیگری را برای عملیات پیشنهاد دهند یا در غیر این صورت چارهای جز پیشنهاد صلح نداریم که البته حضرت امام این مسئله را نخواهند پذیرفت و تنها در صلاحیت ایشان است که صلح را بپذیرند، که نمی‌پذیرند». با آنکه آقای هاشمی‌رفسنجانی نسبت به بازتاب سیاسی عملیات در جنوب جزیره مینو و حرکت به سمت قاف امیدوار بود، اما گزارش برخی از فرماندهان، گره‌های طرح پیشنهادی ارتش را آشکار کرد. آقای هاشمی‌رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ با وجود عدم تمایل به لغت عملیات، مجبور شد این تصمیم را اتخاذ کند و فرماندهی کل سپاه نیز در تاریخ ۱۳۶۳/۵/۳ سکوت خود را شکست و رسماً مخالفت خود را با طرح پیشنهادی اعلام کرد. پس از بحث و بررسی‌های فراوان نهایتاً در ۱۳۶۳/۶/۱۱ آقای هاشمی‌رفسنجانی فرمانده جنگ، طرح سرهنگ صیاد شیرازی را غیرعملی تشخیص داد و اجرای عملیات در جنوب جزیره مینو و خسروآباد متغنی اعلام شد. متن سخنان آقای هاشمی‌رفسنجانی با فرماندهان در جلسه مورخ ۱۳۶۳/۴/۲۰ پیاده‌شده از نوار شماره ۱۴۹۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس مشتمل بر مطالب مهمی است که برای اولین بار منتشر شده است:

تبیین وضعیت جنگ عراق و ایران، حجت‌الاسلام
هاشمی‌رفسنجانی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. و الحمدلله و الصلوه علی رسول الله و آله اجمعین. این گروه اندک [فرماندهان] از لحاظ تعداد در وضع کنونی، گروه سرنوشت‌ساز تاریخی است. هر تصمیماتی که اتخاذ می‌کنید و حرکتی که می‌کنید در کل تاریخ اسلام، تاریخ منطقه و وضع دنیا در همین برهه زمانی که در آن قرار گرفتیم سرنوشت می‌آفریند. سرنوشت جدی منطقه و خیلی جاهای دیگر را این روزها به دست شماها سپرده‌اند، که چگونه تصمیم بگیرید و چگونه عمل بکنید. لذا ذهن و جسم خودتان را برای یک مسئولیت تاریخی آماده کنید و شما الان افراد عادی یک لشکر یا یک تیپ یا یک قرارگاه در یک سمت معمولی نیستید بلکه در آستانه یک تحول عظیم قرار گرفته‌اید. یک جلسه خوبی ما داشتیم قبل از اینکه بلییم اینجا؛ دو سه ساعت اظهارات کسانی را که به میدان نبرد آشنا هستند شنیدیم. پنج شش ماه است که ما از طریق فرماندهان بالاتر شما به‌طور رسمی، و از طرق مختلف به‌طور غیررسمی، در جریان مسائل میان رزم هستیم. بعضی اظهارات که می‌شود، ضمن اینکه بسیار دلسوزانه و برای بهترکردن وضع ادا می‌شود و هیچ تردیدی در آن نیست که ناشی از حس وظیفه‌شناسی است. اما در خودش نقاطی را نشان می‌دهد که ممکن است نقاط ضعف حرکت‌های گذشته متراکم شده باشد؛ که یک مقدار، آن قدرت تکره و در روحیه سطح بالای دوران قبل را تضعیف کرده باشد. الان اگر آدم بخواهد تصمیم بگیرد باید مجموعه شرایط را در نظر بگیرد و تصمیم بگیرد. شما در سمت یک فرمانده ساده فکر نکنید و فقط دوروبر خودتان را ببینید، بلکه مجموعه شرایط را ببینید.

تشدید تلاش‌های جهانی برای جلوگیری از پیروزی ایران؛ ببینید ما در چه وضعی هستیم؟ و چه شرایطی ممکن است در آینده پیش بیاید؟ هرروزوی که الان بر ما می‌گذرد آینده جنگ از لحاظ سیاسی و نظامی برای ما دشوارتر می‌شود، به همان اندازه‌ای که ما موفق می‌شویم خودمان را آماده‌تر بکنیم، دشمن بیشتر آماده می‌شود که خودش را آماده‌تر بکند؛ شرایط سیاسی دنیا هم همین‌طور است. مجموعه قدرت‌های سیاسی دنیا دست‌اندرگارد که ما را از پیروزی مطلق بازدارند، پیروزی مطلق شما را نه غربی‌ها، نه شرقی‌ها و نه همسایه‌هایمان نمی‌پسندند، حتی همسایه‌هایی که رابطه خوبی با ما دارند مثل ترکیه و پاکستان که روابطشان با ما خوب است، حتی هند، اینها مایل نیستند با پیروزی مطلق پیدا بکنیم. چون بعد از پیروزی ما، در داخل کشورهای اینها مسائل جدیدی پیش می‌آید. ما الان نمی‌شناسیم کشوری را در دنیا که صددرصد مایل باشد ما پیروز بشویم. حتی کشورهایی که خیلی با ما صمیمی هستند اگر هم مایل هستند که ما پیروز بشویم می‌خواهند یک جوری پیروز بشویم که لاقال دستمان در عراق باز نباشد و در آنجا تعیین‌کننده سرنوشت

عراق ما نباشیم. این وضع ماست. بنابراین هرروزی که پیش برویم این مجموعه دنیا تلاش می‌کند کاری کند که ما دستمان بسته باشد. الان [محیط بین‌المللی] را جوروی کرده‌اند که هر کس [از مسئولان خارجی] به ایران می‌آید به ما می‌گوید شما صلح کنید، چرا آن‌قدر اصرار می‌کنید، هر ج‌ا هم می‌رویم تماس می‌گیرند به ما می‌گویند صلح کنید، و در هر کنگره و کنفرانسی شرکت می‌کنیم به ما می‌گویند صلح کنید! خیلی کارهای ما را به صلح مشروط می‌کنند. زانی‌ها پروژه عظیم پتروشیمی را که سرنوشت صنعت کشور ما را می‌خواهد عوض بکنند تقریباً معطل صلح کردند، می‌آیند چند روز کار می‌کنند، یک بمب آن نزدیکی‌ها که می‌خورد فرار می‌کنند می‌روند. می‌دانند که چهار می‌کنند ولی این مسئله را نخواهند پذیرفت و تنها در صلاحیت ایشان تأخیر می‌اندازد برای اینکه به صلح برسیم. [تحويل] خریدهای ما در آلمان، در انگلستان، در چین، در ژاپن و خیلی جاهای دیگر را به‌طور عمد، یک جوری معطل می‌کنند که صلح کنید بعد به ما بدهند.

اگر جنگ نباشد، هرکسی حاضر است بهترین اسلحه‌ها را به ما بدهد:
اگر جنگ نباشد و بخواییم ارتشمان را بسازیم، هرکسی حاضر است بهترین نوع اسلحه را به ما بدهد و قسطنی هم بدهد تا پنج سال ۱۰ سال قرارداد طول‌مدت ببندد، هر چیز هم بخواییم به ما بدهند، نه‌تنها مایل هستند بلکه مشتاق هستند و مسابقه می‌گذارند. ولی امروز برای فروش یک قطعه هم دریغ می‌کنند که می‌دارند می‌گویند که صلح بکنید. حتی خریدهای تجاری، مثلاً بستن قرارداد پنج‌ساله فروش نفت باید این‌جوری فروخت و یک قرارداد چهار،پنج‌ساله بست و در مقابلش هم برای اینکه ما بتوانیم اقتصادمان را تأمین بکنیم کالاهای موردنیاز را عمداً خریدهای پارتی و محموله‌ای می‌بندند. یا کشتی‌های کشورهایی مثل ژاپن که ما از آنها کالا می‌آوریم را مورد هدف قرار می‌دهند و اگر ما کالا نیآوریم کارخانه‌شان تعطیل می‌شود. [اما] اینها [قدرت‌ها] کشتی‌هایشان را پشت خلیج فارس می‌آورند و نمی‌گذارند ما نفتمان را بفروشیم، و آنها هم نمی‌آیند بپردازن برای اینکه ما از تحت فشار بگذرانند. عجیب است که همه اینها دست به هم دارند یک‌جوری با ما برخورد

بکنند که ما مجبور بشویم از

هر ماهی که می‌گذرد، شرایط سیاسی ما دشوارتر می‌شود:
من که در کورن مسائل برخورد سیاسی هستم خوب می‌فهمم که هرروزوی که می‌گذرد، هر هفته‌ای که می‌گذرد هر ماهی که می‌گذرد، شرایط سیاسی ما دشوارتر می‌شود، شرایط اقتصادی ما دشوارتر، و آدم این وحشت را دارد یک قطعه‌ای برد که نتواند کار مفید نظامی هم بکند. از

آن طرف هم دارید می‌بینید. دست عراق را باز می‌گذارند. وقتی که همه دنیا به آدم گفت: صلح کنید صلح نکرد اگر طرف آمد... هم به سر ما زد آنها هم می‌گویند چشمشان کور شود باید قبول می‌کردند. همه دنیا را با تبلیغات، با این مسائل یک‌جوری درست کرده که الان عراق هر کاری به سر ما بیاورد این‌جور می‌گویند: خب، تقصیر خودشان است، این‌قدر لج‌بازی نکنند. داخل کشور ما هم ممکن است کم‌کم رادیوهای بیگانه این حرف را تزریق کنند که عده‌ای این حرف را بزنند. هم امروز کسی شوروی را عتاب نمی‌کند که چرا به عراق ملو موشک ۲۱ ss - دادی. [استدلالی هم همین است که] آخر [عراق] دارد از خودش دفاع می‌کند. عراق بمب شیمیایی را به‌کار می‌برد بعد گفتند چه مستاصل است! خب دنیا این منطق را می‌پذیرد... و اگر این روال [همین‌طوری] پیش برود ما مدت زیادی طول نمی‌کنند که خیلی چیزها را توانیم بخریم و کار دارد مشکل می‌شود.

پیروزی مطلق ما را نه غربی‌ها، نه شرقی‌ها و نه همسایه‌ها نمی‌پسندند:
هرچه دنیا دارد پیش می‌رود جنگیدن برای ما دشوارتر می‌شود. برای اینکه شرایط و وضع این‌طوری است که دنیا نمی‌خواهد ما پیروز بشویم. پیروزی مطلق ما را دنیا نمی‌پسندد. نه غربی‌ها، نه شرقی‌ها و نه همسایه‌هایمان نمی‌پسندند، هیچ‌کس نمی‌پسندد. الان شما پیروز مطلق بشوید، پیروزی شماها برای دنیا گران تمام می‌شود. [لذا شما] باید مجبورشان کنید که این پیروزی را تحمل بکنند. همان‌طور که سقوط شاه را خیلی‌ها نمی‌ستدیند و برای اینکه ما [در این جنگ] پیروز نشویم شرایط سیاسی را ملیه ما به کار می‌گیرند، تبلیغات جوری است که هر کس با ما تماس می‌گیرد (غیر از دو، سه نفر در کل دنیا

سیاست

سخنان منتشرنشده هاشمی در جمع فرماندهان ارشد در سال ۶۳

این جنگ باید به یک شکلی تمام‌شود



از مسئولان) به ما می‌گویند باید صلح کنید و توی هر کنگره‌ای شرکت می‌کنیم می‌گویند باید صلح کنید. **شما می‌خواهید بروید حکومتش را ساقط کنید؛** در کنفرانس بین‌المجالس شش‌ماه گذشته خواستیم مسئله به‌کاربردن بمب شیمیایی را توسط عراق مطرح بکنیم، حاضر نشدند توی دستور کارشان بگذارند! ببیند یا یعنی چه؟... برداشته‌شان این است که خیلی خب، عراق مستاصل است. شما می‌خواهید بروید حکومتش را ساقط کنید. آن هم هر کاری اولو ضد حق بشود و جایت جنگی باشد! می‌کند. چون اگر بخواهند بیایند تهران را خراب کنند، شما هم همین‌کار را می‌کنید. یک چنین برداشتی دارند و حاضر نیستند حتی مسئله ما را مطرح بکنند. لذا چنین وضعیتی به آنها امکان می‌دهد که هر اسلحه‌ای که خواستند به عراق بدهند. کارشان به اینجا رسیده که شوروی به کویت اسلحه پیشرفته می‌دهد و [دوش‌پرتاب] استیگرکی که آمریکا به هیچ‌کس نمی‌داد، و آخر در اختیار اینها دارد می‌گذارد. کارشان به جایی رسیده است که عراق را با اسرائیل متحد می‌کنند. برای اینکه عراق از ۱۱کیلومتری اسرائیل اسلکهای بسیار نفت داشته باشد. این‌قدر دنیا به هم نزدیک می‌شود، به خاطر اینکه نگذارم ما پیروز بشویم و عراق را سر پا نگه دارند؛ بنابراین، زمان به نفع ما نیست. شما هرچه معطل بشوید، زمان شما را به جایی می‌رساند.

ضرورت اجرای عملیات سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده:
خب، حالا در چنین شرایطی شما آقای [فرماندهان] منتظر باشید که همه‌چیز درست بشود، برای اینکه یک حمله صددرصد حساب‌شده‌ای را بکنید؛ می‌خواهید تک بکنید [می‌گویند] باید دو برابر نیروی طرف، نیروی تک‌ور داشته باشید! می‌خواهید اسلحه‌تان برتری داشته باشد یا تدارکات‌تان طبق اصول [کلاسیک] نظامی که دیکته کرده به شما برسد، اگر بخواهید اینها را درست بکنید، من همین الان قاطع به شما می‌گویم هیچ‌وقت شما یک عملیات موفق را در آینده نخواهید داشت. عملیات سرنوشت‌ساز نخواهید داشت، البته چرا؛ شاید عملیات محدودی بکنید، چند کیلومتر بگیریم، یک تپه یا جاده را بگیریم. از این کارها می‌توانیم بشویم، ولی این‌جور عملیات به نفع ما نیست، ما الان واقعاً جرئت نمی‌کنیم یک عملیات محدودی را که مثلاً صد نفر شهید بدهد، انعام بدهیم و دیلیی نمی‌بینیم که با چنین عملیاتی موافقت کنیم.

با اصلا نباید جنگیم
راهش این است که زمینه‌هایش را درست کنیم، کم‌کم جامعه‌مان بفهمد که نمی‌توان جنگید.
سطح توقعات مردم را پایین بیاوریم و الان که از حیث نظامی آبرو داریم و دنیا در باطن شماها را پیروز می‌بیند، حتی از لحاظ فنی می‌بینید که سوپراتانداردها و اگزوست‌ها که به کار گرفته شده‌اند

رسیدیم که از سر دلسوزی یک عده [فرماندهان] نمی‌خواهند مسائل گذشته تکرار بشود و حمله ناقصی انجام بشود. این موضع صحیحی است، ما این موضع را رد نمی‌کنیم. واقعاً دیگر مصلحت‌مان نیست که حمله ناقص بکنیم، باید یک فکری بکنیم، باید یک حرکت درستی انجام بدهیم، خب، در بحث‌هایی که می‌شود آقایان [فرماندهان] پیشنهادهای شخصی نمی‌دهند. همین امروز که توی جلسه بودیم، یکی از دوستان حرفی زد. گفتیم شما اگر طرحی دارید، ارائه بدهید که ما اگر از اینجا صرف‌نظر کردیم، دنبال یک کار خوبی برویم. نوشته‌شان را دادند، دیدم هیچ حرف تازه‌ای در این نیست. سپ یاد چه بکنیم؟ چرا راهی پیش ماست که ما مسائل را حل بکنیم؟ من گفتم که این احتیاط‌هایی که آقایان الان می‌کنند و جنگ برایشان دیکته کرده و باید بکنند، الان سپاهی‌ها بیشتر از ارتشی‌ها کلاسیک شده‌اند. آن حرف‌هایی که الان از سپاهی‌ها در [باره] احتیاط می‌فهمیم، نقضش را تقریباً از ارتشی‌ها می‌فهمیم. سپاهی‌ها که روز الان اصلاً به آب می‌زنند و یک اسلحه برمی‌داشتند را می‌فانند، حالا به خاطر مرارت‌ها و خسارت‌هایی که دیده‌اند، محتاط‌تر شده‌اند. البته ارتشی‌ها همیشه موضع‌شان همین بود.

شما همه دیگر حالا اهل نظر هستید

ما الان می‌بینیم که آقایان بعضی‌ها ابا دارند از اینکه اگر شرایط کافی برای حمله وجود نداشته باشد، وارد مرحله عمل بشوند. عرض کردم من اصل احتیاط را می‌پذیرم؛ آن‌هم مشروط بر اینکه راه مشخصی را پیش ما بگذارید که چه می‌خواهید بکنید؛ شما همه دیگر حالا اهل نظر هستید. ما با اصلاً نباید جنگیم، راهش این است که زمینه‌هایش را درست کنیم، کم‌کم جامعه‌مان بفهمد که نمی‌توان جنگید. سطح توقعات مردم را پایین بیاوریم و الان که از حیث نظامی آبرو

داریم و دنیا در باطن، شماها را پیروز می‌بیند، حتی از لحاظ فنی می‌بینید که سوپراتانداردها و اگزوست‌ها که به کار گرفته شده‌اند، دنیا اعتراف کرده که ابتکارات نیروهای دفاعی شما آن اگزوست‌ها را گمراه کرده و دیروز تیمی خواستند از فرانسه که بیاید ببیند که چرا اینها عمل نمی‌کنند، تا اینجا اعتراف کردند که زیرکی ایرانی‌ها توانسته آن حربه را خنثی بکند.

یا جنگیم؛ یا باید یک طرح به‌تمام‌معنا کامل پیدا کنیم که پیروز بشویم:
اگر کسی نظرش این است که نمی‌شود جنگیم، همین حالا باید تصمیم گرفت، در همین موقعی که آبرو داریم، شرایط صلح را فراهم کنیم و جنگیم. این یک راه است، من نمی‌دانم کسی از شما [فرماندهان] هست که بخواهد این راه را پیشنهاد کند یا نه؟ اگر هست باید بگوید، بعدا [نگویند]. یا جنگیم؛ یا باید یک طرح به‌تمام‌معنا کامل پیدا کنیم که در آن طرح پیروز بشویم و [آن طرح] همه شماها را اعم از سپاهی و ارتشی و استاد دانشگاه نظام همه را بتواند قانع بکند که این طرح صددرصد موفق است. می‌توانیم چنین طرح کامل سرنوشت‌سازی پیدا کنیم یا نه؟ خوب فکر بکنید در چه مکانی؟ حالا بصره؟ بغداد؟ عماره؟ و اینکه در چه زمانی هم عملیات انجام شود، بسیار مهم است. می‌توانیم به صورت موفق عمل کنیم [چون] اگر امروز ما مثلاً ۲۰ درجه قدرت لازم داشته باشیم، برای شش ماه دیگر نیاز ما به این قدرت هفت درجه هم بیشتر می‌شود.

فعلاً سیاست دشمن، دفاعی است؛ وقت تلف‌کردن خسارت است:
دشمن هم هرروز که بگذرد حفاظت از خاک خود را قوی‌تر می‌کند؛ یا کانال می‌کشد یا سیم‌خاردار؛ یا مین می‌گذارد؛ یا تله می‌گذارد، [بالاخره] یک کاری می‌کند. فعلاً سیاستش، سیاست دفاعی است. خب، پس وقت‌تلف‌کردن برای ما الان خسارت است. از نوروز تا به الان قریب به چهار ماه گذشته؛ این‌همه نیرو آوردیم و برگردانید و آموزش دادیم. اگر بناسست مثلاً برای شش ماه دیگر، طرح خوب و مطمئن ارائه و اجرا کنید، می‌پذیریم؛ ولی اگر دوباره یک حرکتی بکنیم که مرتب تکرار کنیم بعد هم یک طرحی بیاید بعضی‌ها ببینند بعضی‌ها نپسندند من بعید می‌دانم در شرایط فعلی و با ترکیب فعلی از نیروهای رزمنده ما یک طرحی بیاید که همه ببینندند سپاهی، ارتشی، نظامی سطح بالا و پایین‌تر ببینند. رده تدارکاتی و رده تک‌ور ببینند همه بخواهند ببینندند... ما بعید می‌دانیم. ببینید [که] امکانات ما در مقابل این‌همه پول که دشمن ما دارد آن‌قدر نیست....

فعلاً توصیه نمی‌کنم عملیاتی که شکست باشد، را انجام دهیم:
از این طرف هم بنده به عنوان یک مسئول فعلاً توصیه نمی‌کنم که الان عملیاتی را که شکست و عدم‌موفقیت در آن باشد، انجام دهیم برای خیلی ضرر دارد. ما الان در بخواهیم صلح بکنیم ممکن است مثلاً ۲۰ درصد خواسته‌هایمان را بتوانیم بگیریم، ولی اگر عملیات ناموفق انجام دادیم پنج‌درصد را هم نمی‌توانیم بگیریم. اگر بناسست عملیات ناموفق انجام بدهیم حتماً ندھیم و برویم سراخ یک راه دیگری، اینها را که گفتم مقدمه بود برای اینکه آقایان بشوند لشکرها و بصراتی که بعد از اینها تمام‌شود باید همه توانشان را به کار بگیرند و فکر کنند این عملیات آخر است. ما این‌جور فکر می‌کنیم یعنی نظر ما‌ها در بررسی‌هایی که کردیم توی قرارگاه و پشت قرارگاه، این است.

تصرف فـاـو/ام‌القصر می‌تواند عملیات آخر باشد:
شما اگر موفق بشوید بتوانید دست عراق را از خلیج فارس قطع کنید از این‌طرف [غرب ارونردن] خودتان را به هر قیمت [ی که شده] به آن طرف‌ام‌القصر برسانید و از[انجا] [بصره] به پایین را از عراق جدا کنیم ما این‌جور فکر می‌کنیم که این می‌تواند حمله آخر بزرگ شما باشد؛ یعنی اگر بناسد در ۱۰ تا عملیات کوچک شما تلفات و خسارتی که بدهید اگر همه را بخواهیم متمرکز کنید و کار را تمام بکنید و باید این [گلوله‌ا ارتباطی با خلیج فارس] را قطع کرد. اگر ما رقتیم به آن نقطه؛ عرستان سعودی، کویت، قطر، بحرین همه می‌فهمند که وضع جور دیگری شده است و خلیج فارس برای ما نسبتاً امن می‌شود و خارک نسبتاً محفوظ می‌شود، کشتی‌ها به‌راحتی می‌آیند خارک، می‌روند بندر ماهشهر و به‌لگی برای ما راحت می‌شود، درجایی که از الان از ۳۳ اسلحه بندر ماهشهر، ما از چهار پنج اسلحه به‌طور فعال استفاده می‌کنیم، کشتی‌هایی که الان توی دریا [منتظر تخلیه بار] هستند ما به هرکدام روزانه مبلغ گزافی داریم دلار می‌دهیم اینها یک روز بیایند کالاهایشان را خالی می‌کنند، کالایی که الان شما خودتان توی جبهه نیاز دارید توی کشتی‌هاست و آنجا ماندن است به دلیل اینکه بندر آنجا خوابیده است، اگر آن بندر آزاد بشود برای ما افاقه بسیار عظیمی است. اگر رقتیم این قسمت را [شبه‌جزیره فاو] گرفتیم ما دیگر نیاز نداریم که یک حمله جدیدی را انجام بدهیم. اینجا که ایستادیم همه امکانات منطقه بسج می‌شود برای اینکه این جنگ باید به یک شکلی تمام بشود و ما اگر امروز ۲۰ درجه می‌توانیم خواسته‌هایمان را تأمین کنیم، در محاسبات ما این است که آن روز [با نفع فاو] ما ۵۰، ۶۰ درجه می‌توانیم یعنی به این مقدار اعتبار نظامی ما نظامی و

سیاسی ما و قدرت ما در مجامع بین‌المللی بالا می‌رود و می‌توانیم خواسته‌مان را از عمل بکنیم و بعد از این موفقیت، ما دیگر نیازی نمی‌بینیم حمله سرنوشت‌ساز دیگری را شما تدارک ببینید.

برادران فرمانده: در این مقطع تصمیمات سرنوشت‌سازی را باید بگیرند:
ان‌شا‌الله وقتی‌که به آنجا را حفظ بکنید.

ادامه در صفحه ۱۹

سیاست

ادامه از صفحه اول

شکایت از سردار نقدی

خبرنگار به سردار نقدی می‌گوید قبلاً این مسئله تکذیب شده است. سردار نقدی جواب می‌دهد که من را محاکمه کنید و من آنجا جواب می‌دهم». وکیل رئیس دولت اصلاحات اضافه کرد: «چون این ادعا مبانی ندارد، قریب به دو هفته پیش یک شکایت کبفری با عنوان نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی علیه سردار نقدی در شعبه ۴ بازرسی دادسرای رسانه ثبت کردیم که در حال رسیدگی است». او ادامه داد: «من از آقای خاتمی کسب اجازه کردم که طرح شکایت از سردار نقدی را در رسانه‌ها مطرح کنم».

باید از طریق ستاد کل احضاریه برود

وکیل رئیس دولت اصلاحات همچنین در گفت‌وگو با «ایلنا» در پاسخ به این سؤال که آیا اکنون سردار نقدی در دادسرا حاضر شده است، گفت: «به دلیل درجه نظامی سردار نقدی، دادسرا طبق قانون باید احضاریه را به ستاد کل نیروهای مسلح ارسال کند و آن ستاد احضاریه را به دست فرد برساند. این پروسه کمی زمان‌بر است و به‌همین‌دلیل هنوز سردار نقدی در دادسرا حاضر نشده است».

دوم آن راه گذشته «شرق» گفت‌وگویی با سردار «محمدرضا نقدی» رئیس وقت سازمان بسیج داشت. ماجرا از آنجا شروع شد که در طول مصاحبه سؤالی از سردار نقدی پرسیده شد: «شما دو سال پیش با «شرق» مصاحبه کردید و بعدا در تلویزیون گفتید عده‌ای از مصاحبه من با یک روزنامه ناراحت شدند و نسبت به آن انتقاد کردند. چرا باید از این کار نارحت شوند؟ مگر ما چه مشکلی داریم» که نقدی هم این‌گونه پاسخ داد: «اگر منتشر و چاپ می‌کند، بگویم». پس از قول «شرق» که او که «هرچه بگویند منتشر می‌شود»، او گفت: «ببینید؛ مثلاً همین آقای شهردار آن زمان را شما صفحه اول می‌زنید، پذیرفتنی نیست. کاری به جناح ندارم، واقعاً قابل قبول نیست. با آقای خاتمی رفته برای کار سیاسی از قیام عرستان پول گرفته». او واکنش به این گفته‌ها، «شرق» خطاب به سردار گفت که «اینکه تکذیب شده»، اما سردار نقدی در پاسخ گفت: «تکذیب شده؟ از من شکایت کنند و من را محاکمه کنند». «سیدمحمد انجام» همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا رئیس دولت اصلاحات شکایت‌های دیگری نیز انجام داده است، گفت: «اخیراً یک نماینده مجلس و همچنین سردار نقدی مجدداً اظهاراتی را دربرابر رئیس دولت اصلاحات مطرح کرده‌اند که ممکن است در آینده نیز از آنها شکایت کنیم».

۲۲ سال پس از «مهدی بازرگان»

او با درک ضرورت تحولات بنیادین، بیان‌های ایمان دینی را نیز استوار می‌خواستند و اصولاً مسیری‌های دیگر تحول را چندان ممکن نمی‌دیدند. این از بلندآقبالی روشنفکران مسلمان بود که آن حزب سیاسی که بازرگان به همراه آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و دکتر پدالله سحابی، تاسیس کرد به نام «آزادی» آراسته نبود و درعین‌حال از درک درست تاریخی آنان همین بس که به‌درستی درافته بودند این مقام، جز از مسیر نهضت و جنبش دست‌نرست‌پذیر نیست. از کار روزگار بازرگان باید به یاد بیاوریم گستره انقلاب مشروطه و نهضت ملی دکتر مصدق تا به آنجا بود که از یک سو جریان‌های ارتجاعی در متن سنت و سیاست‌های کهن در مقابل آن صف‌آرایی کرده بودند و از سوی دیگر کم نبودن روحانیان روش‌اندیشی، مانند سیدابوالفضل و سیدرضا زنجانی و سیدمحمود طالقانی که در کنار روشنفکران سیاسی وارد مبارزه با ارتجاع و دیکتاتوری شده بودند و از دکتر مصدق پشتیبانی می‌کردند. نظر این جبهه، اهتمام بزرگی بود که نشان می‌داد مبانی دینی، نه آنکه با دموکراسی و اراده آزاد مردم و مفیدکردن همخوانی دارد، بلکه آنها را ضروری و در ردیف احکام شرعی لازم‌الاجرا می‌داند.

از همین رو بود که برای نشان‌دادن استمرار حضور این اندیشه از مشروطه به این سو، سیدمحمود طالقانی، تنبیه الامه و تنزیه المله، کتاب جسرانه آیت‌الله محمدشیرازی ثانی را که در اندیشه شیعی، با حاشیه‌ها و تفسیرهای خود منتشر کرد. این کتاب که به تأیید دو مرجع مشروطه، یعنی آخوند ملامحمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی رسیده بود تا پیش از این کتابی نسبتاً ناشناخته از مشروطه بود. بازرگان از یک سو استاد برجسته و رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران بود و از این ویژگی او را محمده بیسته‌نگار کرده باشد که دینی که همچنان آرای او محل گفت‌وگوست، اما آنچه بازرگان را در کنار مجاهدات‌های سیاسی و عظیم و پایداری شگفت او در منش و روش «به راستی اسوگوارایانه»اش بود. شاید مهم‌ترین توصیف می‌تاختند، اما اهمیت این سخن بازرگان را دریاقتند که می‌گفت: «عدالت غیر از انتقام و تعدی است و سیاست موفق تقوا و رحمت است».